

سیر نگارهای علوم قرآنی

(۹)

■ محمّدعلی مهدوی راد

قرن یازدهم:

در قرن یازدهم دامنه پژوهش های علوم قرآنی چندان گسترده نیست. در این قرن نورالدین علی بن محمد بن سلطان هروی مشهور به «ملاّ علی قاری» آثاری در علوم قرآنی رقم زده است، از جمله: «حدث الأمانی بشرح حرز الأمانی»، «اربعون حدیثاً فی فضائل القرآن»، «الفیض السماوی فی تخریج قراءات البیضاوی»، «المنح الفکرّیه بشرح المقدمه الجزریّه»، «الهیات السنّیه العلیّه علی آیات الشاطبیّه الرائیه»^۱.

ملاّ علی قاری از عالمان، محدثان، و مفسران بزرگ قرن یازدهم هجری است، او در هرات از مادر بزاد و در آن دیار بالید، او دانش های مرسوم آن روزگار به ویژه قرائت را در آن دیار فراگرفت و آن گاه به مکه مکرمه هجرت کرد و بیش از چهل سال در آن دیار زندگی کرد و بر دانش خود افزود و با تألیف و تدریس دانشش را بگسترده. ملاّ علی قاری خطی خوش داشت، قرآن را می نوشت و از این راه امرار معاش می کرد، او در آستانه قرآن آثار دیگری نیز رقم زده است. از جمله «انوار القرآن و اسرار العرفان» که تفسیری است در دو جزء، و نیز «حاشیة علی تفسیر البیضاوی» که در آن به وجوه قراآت و تبیین واژه های دشواریاب قرآن

اهمیت ویژه قایل شده است، او به سال ۱۰۱۴ در مکه مکرمه زندگی را بدرود گفت.^۲ در این قرن، سیف الدین بن عطاء الله وفایی فضالی شافعی بصری (م ۱۰۲۰) در قرائت و توضیح و تبیین مبانی قرائت های هفتگانه کتابی پرداخت با عنوان «الأصول المختصره على القرات السبع»^۳ و نیز شرحی نیکو بر «مقدمه جزری» در تجوید با عنوان «الجواهر المضیئه» محیی نوشته است:

«او شیخ قاریان روزگار خود بود و پیشتاز در علوم قرآن، نگاهشته های مفیدی دارد از جمله شرحی بدیع بر مقدمه جزری و رساله های بسیاری در قرآنت».^۴

از زندگانی سیف الدین فضایی، گزارش های تفصیلی در اختیار نداریم و آگاهی های گویایی از چگونگی بالیدن و تحصیل دانش اندوزی او در منابع شرح حال نگاری وجود ندارد. به جز تعبیرهایی که آوردیم و اینکه گفته اند او در «بوستان دانش، میوه های بسیاری از علوم قرآن برچید و بر همگانش پیشی جست». فضایی، دوشنبه هیجده جماد الأولى ۱۰۲۰ در گذشته است.^۵

محمد بن احمد عوفی (م حدود ۱۰۵۰)، در این قرن در علوم قرآن آثاری نگاشت، از جمله: «الجواهر المکمله لمن رام الطرق المکمله»، در توضیح و تفصیل قرائت های دهگانه که به سال ۱۰۴۹ نگارش آن را به پایان برده است. این اثر گزیده کتاب دیگر اوست با عنوان: «بحر المعانی و کنز السبع المثانی» و نسخه ای از آن در برخی کتابخانه ها وجود دارد.^۶

«رسم الخط» قرآن کریم از کهن ترین بحث های علوم قرآنی است با گرایش های گوناگونی که عالمان درباره آن دارند^۷، عوفی در این زمینه کتابی پرداخته است با عنوان: «الجواهر الیمانیة فی رسم المصحف العثمانیة». عوفی آثار دیگری نیز دارد از جمله: «مختصر مقاله فی الفتح والأماله» و ...

از شرح حال و چگونگی بالیدن و دانش اندوزی عوفی آگاهی های شایسته ای در اختیار نداریم، او را از عالمان و مقرئان این قرن دانسته، آثارش را گزارش کرده اند.^۸

در این قرن مورخ، ادیب و یکی از بزرگترین فقیهان فلسطینی، مرعی بن یوسف بن ابی بکر بن احمد کرمی مقدسی (م ۱۰۳۳) یاد کردنی است. او کتابی نگاهشته است با عنوان: «قلائد المرجان فی الناسخ و المنسوخ من القرآن» نسخه های بسیاری از این کتاب وجود دارد^۹، این کتاب در دانشگاه محمد بن سعود در ریاض تحقیق شده است، اما گویا هنوز نشر نیافته است. مقدسی خود آن را گزین کرده است با عنوان: «فرائد فوائد قلائد المرجان

و موارد منسوخ القرآن». وی را کتابی است دیگر در تبیین و توضیح محکم و متشابه با عنوان «الآیات المحکمات والمتشابهات».

مرعی بن یوسف از عالمان سختکوش و کثیر التالیف قرن یازدهم هجری است، او در دیه «طور کرم» فلسطین دیده به جهان گشود، و دانش اندوزی را در محضر عالمان آن دیار آغاز کرد، آن گاه به مصر رفت و از محضر عالمان مصر بهره برد و در الأزهر بر کرسی درس نشست و در کنار تدریس به تالیف و تصنیف پرداخت. ^{۱۱} وی افزون بر آنچه یاد کردیم تفسیری بر قرآن کریم نیز نگاشته است، و نیز آثار بسیاری در موضوعات مختلف فرهنگ اسلامی رقم زده است، از جمله آثار اوست: «فرائد الفکر فی الأمام المهدی المنتظر». ^{۱۱}

از جمله آثاری که در چگونگی رسم الخط قرآن کریم نگاشته شده است، ارجوزه ای است با عنوان: «مورد الظمان فی رسم أحرف القرآن»، به انشاء و خامه محمد بن محمد خرّار (۷۱۸م). ^{۱۲} این نگاشته توجه عالمانی را به خود معطوف داشته است، از این روی کسانی به شرح و تفسیر آن همت گماشته اند. در این قرن عبدالواحد بن احمد بن علی بن عاشر انصاری اندلس (۱۰۴۰م) بر آن شرحی نگاشت با عنوان: «فتح المئان شرح أرجوزه مورد الظمان فی رسم أحرف القرآن». ^{۱۳}

محبّی در ضمن شمارش آثار او گفته است: و از آثار اوست شرح شگفت او بر «مورد الظمان» که در آن به نیکویی سخن گفته، و اثر دیگری را که در تکمیل آن پرداخته بود با عنوان: «اعلان بتکمیل مورد الظمان» در آن وارد ساخته و با آن درآمیخته است. ^{۱۴} او آثار دیگری نیز در علوم قرآن نگاشته است، از جمله: «تنیه الخلائ فی علم رسم القرآن» که در ذیل «دلیل الحیران» چاپ شده است. ^{۱۵}

عبدالواحد اندلس فاسی در «فاس» ^{۱۶}، به دنیا آمد و در همان دیار به فراگیری دانش پرداخت و از محضر عالمان آن بسی بهره برد. او به سال (۱۰۰۸) به مصر رفت و در محضر عالمان آن دیار در تکمیل و تعمیق دانش خود کوشید و به فاس بازگشت و به تدریس و تالیف پرداخت و آثاری از ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی رقم زد، او به سال (۱۰۴۰) در فاس زندگی را بدرود گفت. ^{۱۷}

اکنون باید یاد کنیم از محدّث، مفسّر، فیلسوف و متفکر بزرگ قرن یازدهم هجری محمد بن ابراهیم بن یحیی، شیرازی، ملقب به صدر الدین و مشهور به صدر المتألّهین. آن بزرگوار با تدوین مجموعه عظیم «الأسفار الأربعة» و پی نهادن اندیشه نو در جریان حکمت و فلسفه، بیشتر به فلسفه و حکمت مشهور گشته است و جایگاه والای او در علوم نقلی در

پرتو شهرت حکمی او کم سوگشته است. تفسیر گرانسنگ او اگر پایان می پذیرفت بی گمان در جریان تفسیر نگاری قرآن کریم قلّه ای می شد فراز مند و بی مانند. وی در تفسیر، ابتداء چونان مفسران به تبیین ظاهر آیات می پردازد؛ اقوال مختلف را گزارش می کند و با استواری و دقت، نقد می کند و آن گاه به ژرفا می رود و حقایق بس بلندی را عرضه می کند، صدر المتألهین در موارد متعددی از رسائل تفسیری خود، مؤمنان را به در نگریستن در آیات الهی و گذشتن از «ظاهر» و رسیدن به «باطن» فراخوانده، و راه و روش این تعمق را باز گفته است.

صدر المتألهین پس از نگارش رساله های گونه گون تفسیری، چون آهنگ تفسیر قرآن می کند و آن را از سوره حمد می آغازد، «مفاتیح الغیب» را چونان مقدمه ای بر این تفسیر می نگارد و بسیاری از مباحث علوم قرآنی را با شیوه و مشرب ویژه خود تبیین و تفسیر می کند.

از جمله تبیین: ویژه گی و صفت قرآن به زبان رمز و اشاره، اقسام قرآن، چگونگی تفسیر پذیری قرآن، کلام و حقیقت آن، فرق میان کتابت مخلوق و کتابت خالق، آداب ناظران در علم قرآن، دیدگاه های مختلف درباره متشابهات قرآنی و ... افزون بر مباحث ویژه قرآنی، «مفاتیح الغیب» مشتمل است بر عصاره اندیشه های صدر المتألهین در باب مبدأ و معاد، و مقدمه و مبنا و راهنمای بر آنچه آهنگ شرح و تفصیل آن را در تفسیر آیات داشته است، که متأسفانه تفسیر وی ناتمام مانده است، فیلسوف بزرگ معاصر حضرت سید جلال الدین آشتیانی نوشته اند:

مفاتیح را صدر المتألهین در موقعی که مبانی خویش را کاملاً محکم نموده بوده نوشته است، لذا «مفاتیح الغیب» مورد توجه اهل ذوق قرار گرفته است و این کتاب را اهل فن بر بسیاری از کتب دیگر صدر الدین ترجیح می دهند، بیشتر مسایل مربوط به معارف مبدأ و معاد در این رساله مندرج است.^{۱۸}

افزون بر این، صدر المتألهین رساله ای کوتاه اما پر مغز پرداخته است درباره «محکم و متشابه» در قرآن کریم. صدرا در آغاز رساله می گوید: این مباحث را در مواردی از «تفسیر بزرگم ...» به شرح آورده ام.

چنین است که عمده مباحث این رساله را در مفاتیح الغیب (۷۳-۸۹) و نیز تفسیر ارجنند «آیه الكرسي» (۱۵۰-۱۷۵) آورده است.

آقای آشتیانی، این رساله را تصحیح کرده و با دو رساله دیگر، با عنوان «رسائل

فلسفی» منتشر کرده است، وی در مقدمه‌ای دراز دامن، از برخی مباحث قرآنی، مانند: تفسیر، تأویل، فرق آندو، معنای «نزول قرآنی بر هفت حرف، محکم و متشابه» سخن گفته است.^{۱۹}

صدر المتألهین، به سال ۹۷۹ دیده به جهان گشود. سال‌های آغازین تحصیل را در زادگاه خود شیراز گذراند و آن‌گاه به اصفهان رفت و در محضر عالمان آن دیار دانش آموخت، به ویژه از شیخ بهایی و میرداماد بسی بهره برد. آن‌گاه به قم رفت و به تأمل، عبادت و ریاضت پرداخت، و آن‌گاه به شیراز بازگشت و تدریس و تألیف را پیشه ساخت. صدر المتألهین از قله‌های افراشته دانش، اندیشه، تحقیق و حکمت شیعی است، کارنامه زندگانی او بسی پربرگ و بار، و آثارش آکنده از ژرف‌نگری و اندیشه بکر و بی‌مانند است.^{۲۰} پیشتر و در ضمن گزارش نگاهشته‌های علوم قرآنی قرن چهارم، آوردیم که ابوبکر محمد بن عزیز سجستانی (م ۳۳۰) کتابی پرداخت در تبیین و تفسیر واژه‌های دشواریاب قرآن کریم با عنوان «نزهة القلوب» با طرحی نو، یعنی واژه‌ها را بر اساس الفباء تنظیم کرد و به تفسیر آنها پرداخت و نه بر اساس سوره‌ها چنانکه قرآن پژوهان، پیشتر از او چنان می‌کردند.^{۲۱} سجستانی واژه‌ها را بر اساس هیأت آنها گزارش کرده است و ذیل سرعنوان بر اساس حرکتها. به مثل در باب «ش» کلماتی که آغازین واژه آنها «ش» است، ابتداء کلماتی که با فتحه آغاز می‌شوند، آن‌گاه کسره و سپس ضمه. روشن است که یافتن واژه‌ها در اثری چنین، آنهم بدون هیچ ترتیبی در حروف بعد، دشواری‌هایی خواهد داشت، از این روی، فقیه، ادیب و مفسر بزرگ شیعی، شیخ فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵)، این اثر را می‌پسراید و می‌آراید و به گونه کارآمد تنظیم کرده و با افزودن مطالبی با عنوان: تفسیر غریب القرآن، آن را عرضه می‌کند. او خود در مقدمه کتاب نوشته است: «به نزهة القلوب و فرحة المکروب» دست یافتم و آن را سرآمد همگان و اثری زیبا و شگفت‌انگیز یافتم، نهایت به لحاظ ناهنجاری چینش و تسویت مطالب، دشواریاب بود. از این روی آن را بر اساس حروف الفباء سامان دادم، و نکاتی لطیف و سودمند بدان افزودم.^{۲۲}

«تفسیر غریب القرآن»، در بیست و هفت باب و بر اساس حروف آخر واژه ترتیب یافته و هر بایی در بیست و هشت نوع، بدین گونه: باب ما آخره ألف او همزه، النوع الثانی ما اوله الباء و... تفسیر غریب القرآن، به سال (۱۳۷۲) با تحقیق و تعلیق محمد کاظم طریحی نشر یافته است و پس از آن بارها همان چاپ به گونه افست منتشر شده است.

شیخ فخرالدین طریحی، پیشتر با اثر ارجمند دیگرش مجمع البحرین، شناخته شده

است. مؤلف در آغاز آهنگ این داشته است که در آن کتاب، واژه‌های دشواریاب احادیث متون حدیث شیعی را تبیین و تفسیر کند، اما در هنگام نگارش عملاً به گونه‌تفسیر و تبیین واژه‌های دشواریاب قرآن و حدیث درمی‌آید. رجالی، محقق و شرح حال نگار بزرگ شیعی، میرزا عبدالله افندی آن را بهترین کاتب این فن دانسته است.^{۲۳}

مجمع البحرین بارها و با چاپهای گونه‌گون نشر یافته است.^{۲۴}

اخیراً چاپی منقح، استوار با تصحیح دقیق و پانوشته‌هایی سودمند و ترتیبی کارآمد بر اساس حروف آغازین واژه‌ها، از آن نشر یافته است. در این چاپ تمام احادیث و آراء نقل شده، مصدربیابی شده و ناهنجاری‌ها در ترتیب و ازگان شناسایی گشته و استوار گردیده و در ضمن مقدمه‌ای از اهمیت کتاب، شرح حال و آثار مؤلف و چگونگی این تحقیق سخن رفته است.^{۲۵} فخرالدین طریحی در نجف اشرف از مادر بزاد و در همان دیار رشد کرد و بالید. او دانش‌اندوزی را در خانواده خود که خاندانی است بزرگ و ارجمند و ریشه دار، آغاز کرد و با نشستن در محضر دیگر عالمان آن حوزه کهن سال بر آگاهی‌های خود افزود و به جایگاه بس بلند در دانش‌های اسلامی دست یافت.

شرح حال نگاران او را به فقاہت، اتقان در آگاهی‌ها، گستردگی در دانش، زهد، ورع و سلامت نقش ستوده‌اند. او به سال (۱۰۸۵) زندگی را بدرود گفت.^{۲۶}

در این سلسله مقالات گاه اشاره کرده‌ایم، که بسیاری از تفسیر پژوهان و عالمان، بحث‌های مرتبط با قرآن را در مقدمات تفاسیر خود می‌آوردند، برخی از این گونه مقدمات از اهمیت ویژه برخوردارند، چنین است مقدمات دوازده‌گانه تفسیر «الصفافی فی شرح کلام اللّٰه الوافی» که اکنون به «تفسیر صفافی» شهره است. از آثار ارجمند محدث، فقیه و متکلم بزرگ شیعی در قرن یازدهم، محمد بن مرتضی بن محمود ملقب به «محسن» و معروف به «ملاً محسن» و فیض کاشانی ...

فیض کاشانی - ره - در این مقدمات، از لزوم تمسک به قرآن، لزوم فراگیری دانش قرآن را از اهل بیت علیهم‌السلام، تبیین و توضیح روایاتی که نشانگر این است که قرآن درباره اهل بیت و دشمنان آنان نازل شده است، و جوه تأویل، تفسیر، ظهر، بطن، حد و مطلع، آیات متشابه و چگونگی تأویل آن، تفسیر به رأی، جمع قرآن و تحریف ناپذیری آن، چگونگی تلاوت قرآن و آداب آن و ... سخن گفته است. این مقدمات، به ویژه آنچه وی درباره تأویل و حد و مطلع آورده است، شایان توجه است.

افزون بر این، یکی از کتاب‌های (= بابهای) کتاب عظیم و ارجمند «المحجة البيضاء

فی تهذیب الأحياء» فیض نیز درباره مسایل مرتبط با قرآن و مآلاً علوم قرآن است با عنوان: «کتاب آداب تلاوة القرآن» که مجموعه ای است بسیار خواندنی و سودمند و کارآمد، این بخش از «المحجة ...» در چهار باب سامان یافته است، فضل و فضیلت قرآن و اهل قرآن، آداب ظاهری تلاوت، آداب باطنی تلاوت، فهم قرآن و چگونگی و معنای تفسیر به رأی. (ج ۲، صص ۲۰۹-۲۶۴)

فیض به سال (۱۰۰۷)، ماه صفر دیده به جهان گشود، در قم پرورش یافت و در آن دانش اندوزی را آغاز کرد، با آگاهی از ورود سید ماجد بحرانی به شیراز، آهنگ شیراز کرد و در آن دیار علوم شرعی را از سید ماجد بحرانی و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد فراگرفت. او محضر عالمان بسیاری را درک کرده و از چشمه سار زلال دانش آنان بهره گرفته است، سپس به کاشان بازگشته و در آن دیار به سال (۱۰۹۱) زندگی را بدرود گفته است.

فیض کارنامه ای پربرگ و بار دارد و آثار ارجمند او در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی نشانی است از گستردگی دانش، استوار گامی در هدف، سختکوشی در فراگیری و فرادهی. فیض به حق یکی از قلّه های افراشته فرهنگ شیعی است.^{۲۷}

سلطان بن احمد بن سلامة بن اسماعیل مزاحی مصری (م ۱۰۷۵) در این قرن در برخی از شاخه های علوم قرآنی، آثاری سامان داده است. از جمله آثار اوست: «القرآآت الأربع الزائده علی العشر».

می دانیم که ابوبکر احمد بن موسی بن عباس بن مجاهد (م ۳۲۴) معروف به ابن مجاهد، که در دانش قرائت زبردست بود و از همگنانش پیشتاز، کتابی پرداخت با عنوان: «القرآآت السبع یا السبعة فی القرائت» و از میان قرائت های گونه گونه، هفت قرائت را برگزید و آنها را صحیح به شمار آورد که پس از وی به «قرآآت السبع» شهره شد.^{۲۸} پس از وی کسانی، سه تن: (۱) خلف بن هشام (م ۲۲۹)، (۲) یعقوب بن اسحاق (م ۲۰۵) و (۳) ابوجعفر یزید بن قعقاع، را نیز بدانها افزودند، و بدین سان این مجموعه به «قرآآت عشر» نامبردار شدند؛^{۲۹} و آنگاه کسانی، چهار تن دیگر بر اینها افزودند: حسن بصری، ابن محیصن، یحیی بن مبارک یزیدی و ابوالفرجه محمد بن احمد شنبوذی، و مآلاً «قرآآت اربعة عشر» شکل گرفت.^{۳۰}

کتاب مزاحی مصر، گزارش قرائت های چهارگانه افزون شده بر قرائت های دهگانه است، به روایت محمد بن خلیل بن ابی بکر بن محمد قیاقبی (م ۸۴۹) از محدثان، قاریان و

عالمان قرن نهم هجری.^{۳۱}

سلطان ابن احمد به سال (۹۸۵) دیده به جهان گشود و دانش را از عالمان الأزهري فراگرفت و به جایگاه والایی از دانش دست یافت و در بیست سالگی (۱۰۰۸) برای تدریس و افتا رخصت یافت.

او در تدریس، تبلیغ و تألیف سختکوش بود و در قرائت پیشوای فن شمرده می شد. او مرجع پرسشها و ملجأ جست و جوگران دانش بود، سؤال های بسیاری بدو عرضه می شد و پاسخ می گفت. «أجوبه عن أسئلة القراءات» و نیز «رسالة فی أجوبة المسائل العشرين الّتی رفعها بعض المقرنین»^{۳۲} برآمده از این جایگاه وی است. محبّی که وی را بسیار ستوده است می گوید: او در قرن یازدهم پیشوای جست و جوگران دانش و سلطان عالمان بود.^{۳۳}

اکنون و در سال های پایانی این قرن یاد کنیم از عالم و شرح حال نگاری که یکی از ارجمندترین مجموعه های مرتبط با مفسران و قرآن پژوهان را رقم زده است و خود به هیچ روی شناخته شده نیست.

احمد بن محمد آدنه، از عالمان قرن یازدهم و زنده به سال (۱۰۹۵)، کتابی پرداخته است با عنوان «طبقات المفسرین». او کتاب را بر اساس سده ها سامان داده است و هر فصلی را ویژه سده ای ساخته است و در پایان در ضمن فصلی از کسانی یاد کرده است که در علوم قرآنی و موضوعات مرتبط با تفسیر کتاب نگاشته اند. بدین سان آدنه از شرح حال و آثار ۶۳۸ نفر یاد کرده و در پایان کتاب آورده است که از نگارش آن در پنجم ذی حجه ۱۰۹۵ فارغ شده است.

شرح حالها غالباً به اختصار نهاده شده است، مؤلف پس از یاد کرد نامها، ویژه گی برجسته آنها را می نمایاند، به مثل: فقیه، محدث، مفسر و...، آن گاه از شخصیت او سخن می گوید، از استادان و شاگردان او و سپس آثار او، به ویژه از آثار تفسیر و یا قرآن پژوهی افراد.

می دانیم که دادودی مؤلف «طبقات المفسرین» متوفای (۹۴۵) است و بدین سان این کتاب حدود یک قرن پس از وی نگارش یافته و مآلاً آگاهی های این یک قرن را دارد، افزون بر آن از قرن هایی که دادودی از آنها گزارش هایی آورده است نیز کسانی را یاد کرده است که در دادودی نیست مانند: شماره های ۳۳، ۳۹، ۵۳، ۷۴ و...

مؤلف از ۲۲ کتاب در ضمن گزارش شرح حالها، به عنوان منابعش یاد کرده است از جمله: وفيات الأعیان، الجواهر المضية فی طبقات الحنابلة، مختصر طبقات المفسرین

بیضاوی که شناخته شده نیست، نفحات الأنس من حضرات الندس جامی، حسن المحاضره سیوطی، الضوء اللامع سخاوی و

مؤلف کتاب را بر اساس تنها نسخه موجود آن، که در کتابخانه ولی الدین افندی در استانبول محفوظ است، تصحیح کرده است. محقق در پانوشتها، منابع شرح حال ها را آورده و نقل های مؤلف را منبع یابی کرده است، تا آنجایی که آگاهی داشته از چگونگی کتاب های یاد شده سخن گفته است، از نام های دقیق آنها و چاپ شدن آنها و
و در پایان فهرست های فنی و کارآمدی بر آن رقم زده است.^{۳۴}

در این قرن باید از حرکتی نوظهور و کارآمد در علوم قرآنی یاد کنیم؛ یعنی نگارش فهرستها و واژه یاب های قرآنی کم ترین اثر در این زمینه کتابی است با عنوان: «آیه الآیات» نگاشته و تدوین، شهاب الدین احمد مدون نیشابوری، و پس از آن در میان نگاشته های علوم قرآنی، به این متن کارآمد و ارجمند توجهی نیست تا قرن یازدهم. در این قرن عالمی به نام موسی هزاری کتابی پرداخته است با عنوان: «کشف الآیات». علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، نسخه را دیده و چگونگی آن را گزارش کرده است، وی یادآوری می کند که نسخه مههور است و مهر تاریخ (۱۰۵۶) را داشته است. از مؤلف متأسفانه اطلاعی در دست نیست.

پس از آن محمدرضا فرزند عبدالحسین نصیری طوسی، صاحب «تفسیر الأئمه» نیز کتابی پرداخته است با همان عنوان «کشف الآیات»، دارای یک مقدمه و بیست و هشت کتاب به تعداد حروف آغازین کلمه ها؛ و هر کتاب دارای بیست و هشت باب بر اساس حروف پایان کلمه ها و بر این اساس واژه ها را آورده و جایگاه آنها را در سوره و آیه نشان داده است.^{۳۶}

مؤلف ظاهراً از نوادگان شیخ طوسی (ره) است^{۳۷} و از دانش آموختگان مدرسه اصفهان در قرن یازدهم هجری. مؤلف به سال (۱۰۵۷ ق)، از نگارش آن فراغت یافته، و این ماده تاریخ را در جمله «کشف آیات کلام قدس» ضمن شعر ذیل آورده است:

نام این نسخه و سال تاریخ کشف آیات کلام قدس است^{۳۸}

از این کتاب نسخه های متعددی در کتابخانه وجود دارد.^{۳۹}

در همین قرن، سید ناصرین سیدحسین حسینی نجفی، با این آهنگ و هدف، کتاب «الجدول النورانیه لتسهیل الآیات القرآنیه» را بین سال های (۱۰۷۷-۱۰۹۸) نگاشته است. او کتاب را در چهار جدول سامان داده است، در جدول اول اندکی از آغاز آیه را بر اساس

حروف آغازین کلمه آیات یاد کرده است و در جدول دوم این را که این آیه در کدام «رکوع»^{۴۰} قرار دارد، و در جدول سوم جزء را و در جدول چهارم ربع جزء را. مؤلف در آغاز کتاب فهرستی نوشته است و در آن تعداد رکوعها و جزءها را برشمرده است.^{۴۱}

«الرسالة الواضحة لأستخراج الآيات القرآنية» نیز در این قرن سامان یافته است (ح ۱۱۰۰). علامه شیخ آقابزرگ تهرانی نوشته اند: کشف الآياتی است به گونه ویژه، علامت جزء و حزب را با خط سرخ مشخص ساخته و ابتداء و وسط و آخر حزب را و...^{۴۲}

در آغازین سالهای قرن دوازده، میرزا مصطفی افغان بن محمد سعید کاسی، در همین موضوع «نجوم الفرقان» را به فارسی پرداخت. این کتاب به سال (۱۲۴۲) در لایبزیگ و در سال (۱۲۷۴) در تهران نشر یافته است.^{۴۳}

فهرست نگاری آیات و در سالها و قرنهای بعد فهرست موضوعی آیات، از جمله کوششها و کوشش های عالمان اسلامی بوده است، در ضمن گزارش گزیده آثار علوم قرآنی عالمان، در قرنهای بعدی به عنوانی از آنها خواهیم پرداخت.

شایسته است در این قرن، از جمله از رساله کوتاه حکیم عارف، قاضی سعید قمی یاد کنیم در باب قرائت، که نگاهی است متفاوت با آنچه در باب قرائت دیگران، داشته اند. وی در سال های فرجامین عمر خود به نگارش اثری همّت می ورزد با عنوان: «الاربعینیات» که مرحوم مدرس تبریزی از آن بدین سان یاد کرده است:

این کتاب از مصنفات ممتاز و برجسته می باشد و در آن چهل رساله خود را که در چهل باب از ابواب معارف و تحقیقات و هر یکی اسم خاصی داشته مثل روح الصلوة و... جمع کرده است.^{۴۴}

اما گویا وی موفق به اتمام آن نمی شود و آنچه اکنون در اختیار است، یازده رساله است، و دومین آنها مرتبط است با بحث ما با عنوان: «الکشف عن القراءات السبع». استاد محترم جناب آقای حجتی درباره آن نوشته اند:

در یک مقدمه و چند «اشاره» و «بشاره» ساخته و بحثی است فشرده و عرفانی درباره اختلاف قراءت و عدم سازگاری قراء، با اینکه قرآن یکی است. او کوشیده بر پایه فلسفه اشراقی شیعی این مسأله را روشن نموده و ناسازگاری های قراء را تأویل نماید.^{۴۵}

نسخه های بسیاری از آن در کتابخانه های ایران وجود دارد.^{۴۶}

محمد سعید بن محمد مفید قمی، معروف به قاضی سعید و ملقب به «حکیم

کوچک». از عالمان، پزشکان، ادیبان و عارفان بزرگ قرن یازدهم هجری است. وی در قم از مادر بزاد و در آن دیار مقدمات تحصیل را آغاز کرد، آن گاه برای تعمیق دانش و اندوخته های خود به اصفهان رفته و مدتی بعد به قم بازگشته و سپس به اصفهان رفته و او از محضر عالمان بزرگی چون ملا محسن فیض کاشانی، مولی رجبعلی تبریزی، سیره گرفته است.

قاضی سعید آثار ارجمنندی در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی رقم زده است و آثار وی از جمله آثار گرانبیگ میراث مکتوب شیعی است.^{۴۷}

اکنون یاد کنیم از عمادالدین علی قاری استرآبادی (م قرن یازدهم) که آثاری چند در علوم قرآنی رقم زده است او در تجوید کتابی پرداخته است با عنوان: «ارشاد الأذهان الی تجوید القرآن». مؤلف این کتاب را در یک مقدمه و دوازده فصل سامان داده است، و در فصول مختلف آن از مخارج حروف، صفات حروف، مد، ادغام، وقف و ... سخن گفته است. استرآبادی کتاب تجوید دیگر نیز نوشته است به نام شاه طهماسب و با عنوان: «التحفة الشاهیه». ^{۴۸} او درباره قرائت های مختلف و راویان مختلف آنها نیز رساله هایی رقم زده است. «اصول قرائه اُبی عمرو بروایتی الدوری والسومی» که گزارش قرائت اُبی عمرو بن علاء حضرمی است، به روایت دوری و سومی از طریق شاطبیه.^{۴۹} «اصول قراءه حمزه بروایتی خلف و خلاء»، که گزارش قرائت حمزة بن حبیب زیات کوفی از قراء سبعة است، به روایت خلف و خلاء و از طریق شاطبیه.^{۵۰}

«اصول قرائه الکسائی بروایتی الدوری و اُبی الحارث» و «اصول قرائه نافع بروایتی قالون و ورش»^{۵۱} این دو کتاب نیز بر شیوه کتاب های پیشین، گزارش قرائتهاست با دو روایت و از طریق شاطبیه.

عمادالدین علی بن عمادالدین، علی بن نجم الدین محمود، معروف به «عمادالدین شرف قاری استرآبادی مازندرانی از عالمان، متکلمان و مقرئان قرن یازدهم هجری است، نام و تبار وی را بدین گونه که آوردیم، شیخ آقا بزرگ (ره) بر اساس یادداشت وی بر ظهْر کتاب «خلاصة الأقوال» آورده است و یادآوری کرده است که با توجه به مشایخ وی (عزالدین حسین بن عبدالصمد عاملی و ...) او از علماء آخر سده دهم و اوایل سده یازدهم است. سالهای آغازین عمر علمی او مصادف است با اواخر عمر شاه طهماسب، که آوردیم کتابی نیز به نام وی رقم زده است. رجالی و شرح حال نگار محقق، میرزا عبدالله افندی (ره) او را با عناوینی چون: عالم، فقیه و متکلم یاد کرده و به ورع و تقوا وی را ستوده و از او به

صلاح و سداد یاد کرده است و گفته است که او در بلاد خود شهرتی بسزا دارد. به هر حال از چگونگی تحصیل و فراگیری دانش وی اطلاعی در دست نداریم، اما آثاری که از وی یاد شد و داوری های شرح حال نگاران نشان می دهد که وی دانش مردی بوده است استوار گام و برخوردار از آگاهی های مختلف در ابعاد گونه گونه فرهنگ اسلامی.^{۵۲}

قرن دوازدهم:

مطلع نگاشته های قرآنی قرن دوازدهم را با نام و یاد پر فروغ محدث جلیل و عالم بی بدیل تاریخ تشیع علامه محمد باقر مجلسی رضوان الله علیه (م ۱۱۱۱) آذین می بندم. آن بزرگوار در دایرة المعارف عظیم النظیر خود «بحار الانوار» جای در جای به مباحث قرآنی پرداخته است، مجلدات (۸۹ و ۹۰) از چاپ بیروت [۹۲ و ۹۳] از چاپ ایران این مجموعه شگرف، ویژه مباحث قرآنی است، در این جلدها در ضمن صدوسی باب از فضل و فضیلت قرآن، اعجاز آن، تدبّر در قرآن، ناسخ و منسوخ در قرآن، آداب تلاوت قرآن، جمع و تدوین قرآن و... در پرتو آیات و روایات، به تفصیل سخن رفته است. باب ۱۲۸ این مجموعه ارجمند، رساله ایست مفرد با عنوان «باب ماورد عن امیر المؤمنین فی اصفاف آیات القرآن و انواعها و تفسیر بعض آیاتها بروایة النعمانی». اما این مجموعه با وضعی که دارد، سخنی باشد بلند از امیر المؤمنین علیه السلام، بی گمان پذیرفتنی نیست.^{۵۳} متن آن که بیشتر شکل تألیف کتاب را دارد و گاه با عباراتی نااستوار، نشانگر آن است که نباید حدیثی باشد منقول از علی علیه السلام. البته این مجموعه به سید مرتضی و محمد بن ابراهیم نعمانی نیز نسبت داده شده است و احتمال های دیگری نیز درباره آن می رود.^{۵۴}

علامه مجلسی رضوان الله علیه، در آغاز تمام ابواب و فصول بحار الانوار آیات آن موضوع را آورده و تفسیر کرده است و عملاً یکی از گسترده ترین، مهم ترین و کارآمدترین فهرست های موضوعی قرآن مجید را رقم زده است. تنظیم موضوعی آیات قرآن کریم گو اینکه پیش از آن بزرگوار پیشینه داشته است - و پس از آن بدان اشاره خواهیم کرد - اما بدین گستردگی، دقت و تفصیل برای اولین بار سامان یافته است. جدا سازی این بخشها و تدوین و تنسیق دقیق آنها، عملاً تدوین تفسیری خواهد بود موضوعی، ارجمند و سودمند که امید است صاحب همسانی، به جمع و تدوین آن همّت گمارند.

علامه مجلسی از عالمان و محدثان و فقیهان بزرگ قرن یازدهم هجری و سال های آغازین قرن دوازدهم هجری است. وی مشهورتر از آن است که در این مقام که آهنگ ما بر

اختصار است و اشاره ای به منابع شرح احوال مؤلفان، نیازمند قلم زدن باشد. با این همه باید یاد کنم که نقش علامه در حفظ میراث تشیع، عمومی سازی فرهنگ شیعی از طریق ترجمه و سهل الوصول ساختن آموزه های دین، محتوا شناسی دقیق آثار وی و چگونگی آنها و ... با همه نگارش های ارجمندی که در باره آن بزرگوار هست، هنوز نیاز به تأمل و تدبیر بیشتر دارد. ۵۵

محدث و مفسر بزرگ شیعی، علامه سید هاشم حسینی بحرانی (م ۱۱۰۷) در این قرن یاد کردنی است با آثار قرآنی ارجمندی از جمله تفسیر بزرگ «البرهان فی تفسیر القرآن». و آنچه با بحث ما مرتبط است مقدمه دراز دامن این تفسیر است در شانزده باب. از جمله فضل و فضیلت قرآن، ثقلین و همببری آن دو با هم و جدا ناپذیری آن دو از یکدیگر، تبیین و توضیح اینکه همه آنچه بندگان خداوند بدان نیاز دارند در قرآن است؛ و اینکه همه حقایق قرآنی نزد اهل بیت علیهم السلام است و تأویل قرآن نیز، نهی از تفسیر به رأی و اینکه قرآن را ظاهری است و باطنی، اینکه آیات قرآن مشتمل است بر محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و ... اقسام آیات قرآن، تبیین معنای ثقلین بر مبنای احادیث اهل سنت، در اینکه حدیثی که با قرآن موافق نباشد مردود است، اولین و آخرین سوره نازل بر رسول الله صلی الله علیه و آله و ... همه آنچه یاد شد بر اساس روایات گزارش شده است، مؤلف فقط روایات را کنار هم نهاده است و ذیل عناوینی که رقم زده آورده است، بدون هیچ توضیح و تبیین، چنانکه در تمام تفسیر نیز شیوه وی چنین است. این عناوین و جمع و عرضه روایات به نوعی نشانگر چگونگی تفسیر پذیری قرآن کریم و جایگاه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن از نگاه وی نیز تواند بود. به هر حال این مقدمات از این جهت که اشاره شد و از جهات دیگر فهم مسایل مرتبط با قرآن شایان توجه است.

علامه سید هاشم بحرانی در «کتکان» از توابع «کوبلی» بحرین به دنیا آمده است و پس از گذراندن روزگاری، به نجف رفته است و در محضر عالمان آن دیار دانش آموخته است؛ و اما اینهمه کی؟ و چگونه؟ هیچ گونه اطلاعی در اختیار نیست، او پس از تحصیلات عالی به زادگاهش بر می گردد و بعد از شیخ محمد بن ماجد، مرجعیت آن دیار را به عهده می گیرد و به شایستگی به امور مردم قیام کرده در امر بمعروف و نهی از منکر با تمام توان تلاش می کند، و مسند داوری را نیز در اختیار می گیرد، و به سال (۱۱۰۹) یا (۱۱۰۷) زندگی را بدرود می گوید. ۵۶

در این قرن محمد بن عمر بن قاسم بن اسماعیل بقری شافعی (م ۱۱۱۰) آثاری در علوم

قرآنی رقم زد، از جمله: «بغية الطالبین و رغبة الراغبین» در قرائت.^{۵۷} او در تبیین و توضیح قرائت «حفص» نیز رساله ای نگاشته است و کتابی نگاشته است درباره قرائت های هفتگانه با عنوان: «رسالة فی القراءات السبع». و نیز از آثار اوست^{۵۸} «القواعد المقررة والفوائد المحررة» که در آن راجع به آراء هریک از قراء سبعة به طور انفراد بحث شده و سخن به اختصار آمده است.^{۵۹}

بقری، از فقیهان و قاریان شافعی مصری است، از شرح حال او اطلاعی در اختیار نداریم، آثار او به گونه پراکنده در فهرست های نسخه های خطی کتابخانه های مختلف یاد شده است.^{۶۰} وی از نگارش این اثر به سال (۱۰۸۹) فراغت یافته است.

در این قرن کتاب مهم دمیاطی درباره قرائت های چهارده گانه، با عنوان: «اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربع عشر» یاد کردنی است. مؤلف در این نگاشته آهنگ آن داشته است تا چگونگی قرائت های چهارده گانه را گزارش کند، وی ابتداء از قرائت سخن گفته است و از اقسام آن، آن گاه در فصلی مستقل از آداب قرائت و چگونگی تلاوت قرآن بحث کرده است، سپس اصول قرائتها را به شرح آورده است. وی در گزارش قرائتها که بر اساس سور قرآنی گزارش کرده است از سوره، مکی و مدنی بودن آن و توجیه قرائت های مختلف با دقت بحث می کند و نیز گاه به احکام فقهی مختلفی که بر قرائتهای گونه گون منطبق است سخن به میان می آورد. «اتحاف» پیشتر دو بار به سال های (۱۳۱۷) و (۱۳۵۹) به چاپ رسیده بوده است، چاپ اخیر آن، چاپی است منقح و ارجمند با تعلیق و تصحیح دکتر شعبان محمد اسماعیل که بر اساس سه نسخه و نیز نسخه های چاپی آن مقابله و تصحیح شده است.

او در این تحقیق منابع تمام احادیث، اشعار و اقوال را باز یابی کرده و نشان داده است؛ و گاه توضیحاتی درباره متن، در پانوشتها افزوده است و در مقدمه ای دراز دامن از مؤلف، کتاب و اهمیت آن و چگونگی تصحیح و تحقیق خود سخن گفته است.^{۶۱}

شهاب الدین احمد بن محمد بن احمد بن عبدالله، البناء، در دمیاط بزاد و در همان دیار رشد کرد، از محضر مشایخ آن دانش آموخت. آن گاه به قاهره رفت و علوم اسلامی را از عالمان آن دیار بهره گرفت و به جایگاه بلندی در دانش دست یافت، سپس به حجاز رفت و در آن دیار نیز حدیث شنید و آن گاه به دمیاط بازگشت و به گسترش دانش همت ورزید. دمیاطی بار دیگر به حجاز رفت و از آنجا عازم یمن شد، و در یمن نیز از عالمان بهره گرفت و آن گاه به دمیاط بازگشت و بر مسند تدریس نشست و به تصنیف و تألیف همت گماشت.

او در سال های پایان عمر خویش به «طریقه نقشبندیه» روی آورد و بالاخره در سالهای پایانی عمر در مدینه منوره اقامت گزید و در همان دیار به سال ۱۱۱۷ زندگی را بدرود گفت.^{۶۲}

پیشتر از کتاب ارجمند «حرز الامانی و وجه التهانى» یاد کرده ایم.^{۶۳} این کتاب، نظم کتاب ارجمند ابو عمر دانی «التیسیر فی القراءات السبع» است در (۱۱۳۷) بیت شعر. و نیز گفته ایم که «الدرة المضيئه فی قراة الأئمة الثلاثة المرضیة» منظومه ایست به واقع مکمل «حرز الامانی».^{۶۴}

اکنون یاد کنیم از شرح «الدرة المضيئه...»، ابی الصلاح علی بن محسن صعیدی مالکی شاذلی که نگارش آن را به سال (۱۱۲۵) به پایان برده است، با عنوان: «المنح الالهیه بشرح الدرة المضيئه فی علم القراءات الثلاثة المرضیة»، وی کتابی دیگر دارد در چگونگی کاربرد واژه «الآن» در قرآن کریم با عنوان: «الدّر الحسان فی حلّ مشکل قوله تعالی «الآن»».^{۶۵}

صعیدی مالکی از عالمان و فاضلان قرن دوازدهم هجری است، کحاله نوشته است که در دانش های گونه گون آگاهی هایی داشته است. او به لحاظ طریقت به فرقه «شاذلیه»^{۶۶} منسوب بود و به لحاظ فقهی دیدگاه مالکی داشت.

شاذلی افزون بر آنچه یاد کردیم آثار دیگر نیز دارد.^{۶۷} شاذلی به سال ۱۱۳۰ زندگی را بدرود گفته است.

در این قرن سلطان بن ناصر بن احمد جبوری (م ۱۱۳۸)، آثاری چند در علوم قرآنی رقم زده است. از جمله: «القول المبین فی القراءات السبع»، «القول المبین فی التکبیر سنة المکبیر». این اثر تبیین و توضیحی است بر چگونگی وجوه «تکبیر» از نگاه قراء سبعه و بروایت شاطبی.^{۶۸}

جبوری، در خابور^{۶۹} بغداد به دنیا آمد، در قبیله ای بزرگ به نام «جبور»، او برای دانش اندوزی به بغداد رفت و سپس حجاز و دمشق. وی در مسیر «حج»، به سال ۱۳۳۸ زندگی را بدرود گفت.^{۷۰}

اکنون یاد کنیم از ابوالحسن بن محمد نباطی فتونی (م ۱۱۳۹) که برای تفسیری تأویلی با نگاهی به روایات تأویلی با عنوان «مرآة الانوار و مشکوة الاسرار» مقدمه ای نگاشته است بس درازدامن و براستی اثری بزرگ در علوم قرآنی، اما با نگاهی ویژه. او کتاب را در سه مقدمه و یک خاتمه که مقدمه اول مشتمل است به سه مقاله و دوم بر دو مقاله سامان داده

است. او در مقدمه اوّل از حقیقت تأویل و بطن قرآن سخن گفته و کوشیده است این ادعا را استوار دارد که تمام ظواهر آیات الهی در باطن و با نگاه تأویلی آن اشاره است به امامت و ولایت امامان و پیشوایان حق و معارضان و دشمنان آنان؛ و در مقدمه سوم نمونه هایی از تأویلاتی را گزارش کرده است که به گونه موردی «بطن» و تأویل آیه را، ولایت و امامت دانسته اند، او این دیدگاه را می گستراند و فهرستی از واژه گان قرآنی را ارایه می کند که همه اینها ظاهر و تنزیلی دارد و آن همان است که با دانش لغت و قواعد عربی و سبک شناخت ظاهر قرآن می توان بدان دست یافت و باطنی دارد که تأویل آیه است و کلامی و پیامی است بجز این ظاهر، که نیکی ها، امامت و ولایت؛ و زشتی ها و تباهی ها، دشمنان امامت و ولایت اند!!!، او در این بخش حدوداً ۱۲۰۰ کلمه را بدین صورت گزارش کرده است، البته چگونگی معنای تأویلی بسیاری از آنها را به تفسیر و انهاده است و تفسیر تا آیه چهارم سوره نساء بیشتر نگاشته نشده است.^{۷۱}

این مقدمه که بی گمان افراطی ترین نگاه تأویلی - باطنی به آیات است و موارد بسیاری از آن ناپذیرفتنی، ابتداء به سال (۱۳۰۳) و با انتسابی نادرست به شیخ عبدالطیف کازرونی به چاپ رسیده است و پس از آن با تحقیق و تصحیح به سال (۱۳۷۵) نشر یافته است که عنوان مقدمه «البرهان فی تفسیر القرآن»!! را به خود گرفته است.

این گونه نگاه افراطی به باطن و تأویل آیات بی گمان ریشه در اندیشه های غالیان دارد و بسیاری از این گونه روایات از جعل و وضع آنان است. از این موضوع در مقامی دیگر اندکی به شرح تر سخن گفته ام.^{۷۲} امامان علیهم السلام خود در برابر این گونه نگرش های افراطی بل انحرافی ایستادند و روشنگری کردند بنگرید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

در مورد هر آیه ای نگوید: فلانی و فلانی مراد است! در قرآن احکام حلال و حرام، اخبار گذشتگان، پیشگویی هایی درباره آیندگان و احکام داوری نیز وجود دارد.^{۷۳}

امام صادق علیه السلام به ابوالخطاب (محمد بن مقلاس اسدی کوفی) فرمود:

به من گزارش رسیده که تو یکی را مصداق خمر و زنا و دیگری را مصداق نماز و روزه می پنداری! نه چنان است، بلکه ما ریشه خیر هستیم و شاخه های آن پیروی از خداست و دشمن ما ریشه زشتی و پلیدی است و شاخه های آن عصیان خداست.^{۷۴}

مولی ابوالحسن بن محمد ظاهر فتونی، از عالمان، فقیهان و محدثان قرن دوازدهم هجری است، او در محله «درب امام» اصفهان دیده به جهان گشود و از محضر عالمان آن

دیار و نجف اشرف بهره برد و به جایگاه رفیعی از دانش دست یافت. وی در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی آثاری از خود برجای نهاده است^{۷۵}، او در اواخر دههٔ چهل بعد از ۱۱۰۰ در نجف اشرف دیده از جهان بریست [۱۱۳۷ یا ۱۱۳۹].

بارها در این سلسله مقالات از اهمیت قرائت «حفص» سخن رفته است. عالمان بسیاری در سده‌های گذشته درباره چگونگی این قرائت و جایگاهش سخن گفته‌اند. در این قرن، عالم بزرگ و عارف پر اطلاع دمشقی عبدالغنی بن اسماعیل، صالحی حنفی نابلسی در اهمیت قرائت حفص، کتابی نوشت با عنوان: «القول القاسم فی قرائه حفص عن عاصم» او افزون بر این کتاب دو نگاشته نیز در تجوید دارد: «کفایة المستفید فی علم التجوید» و «الأقتصاد فی النطق بالصاد»^{۷۶}.

عبدالغنی نابلسی از عارفان و عالمان بزرگ این قرن و از منسوبان به «نقشبندی» است. وی در دمشق از مادر بزاد و در همان دیار دانش آموختن را آغاز کرد، سپس به بغداد رفت و پس از روزگاری به سوریه بازگشت، آن‌گاه به فلسطین، لبنان، مصر و حجاز نیز سفر کرد و در گسترش و تعمیق دانش و آموخته‌های خود کوشید. او در تدریس و گستراندن حقایق و تألیف و تصنیف سختکوش بود، از این روی آثار بسیاری در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی از وی برجای مانده است. نابلسی در دمشق (صالحیه) به سال (۱۱۴۳) زندگی را بدرود گفت.^{۷۷}

اکنون یاد کنیم از مصطفی بن عبدالرحمن از میری (م ۱۱۵۶) که کتابی نگاشت با عنوان «بدائع البرهان فی علوم القرآن».^{۷۸} از میری در باب قرائتها کتابی نگاشت با عنوان «عمدة العرفان» که خود آن را شرح کرد و «بدائع البرهان علی عمدة العرفان فی وصف حروف القرآن» نامید که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ها موجود است.^{۷۹} و نیز وی کتابی پرداخت با عنوان «تحریر النثر من طریق العشر». او می‌گوید جزری در این کتاب برخی از اقوال و قرائتها را مستند آورده و برخی را گزارش کرده است بدون اینکه به کتاب استناد دهد. من کتاب را پیراستم و تمام نقلها و قرائتها را مستند ساختم.^{۸۰} این کتاب را برخی از فهرست نگاران با عنوان «رسالة فی تحریر کتاب النثر من السهو» نیز یاد کرده‌اند^{۸۱}، اما آغاز و فرجام کتاب تردیدی باقی نمی‌گذارد که این عنوان با عنوان پیشین یک کتاب هستند.

او کتابی دیگر نوشته و در آن قاریان مهم، مشایخ و راویان آنها را روشن کرده است؛ با عنوان «قوائد فی القراء و شیوخهم و روائهم».^{۸۲} از دیگر آثار اوست «المقاصد فی تخریج ما فی النثر من الفوائد» و «اتحاف البررة بما سکت عنه العشرة».

از، از میری و چگونگی تحصیل و دست یابی وی به دانش، استادان و شاگردان او آگاهی‌های شایسته‌ای در اختیار نداریم، او را به چیره دستی در قرائت ستوده‌اند که نگاهشته‌های وی، نشانگر آن است. از آنچه خود در پایان یکی از نگاهشته‌هایش آورده است، او امام جماعت اول مسجد «قلیج علی پاشا» در کنار توپخانه بوده است. و در منابع شرح حال نگاری آمده است که وی به سال (۱۱۵۶) در مصر زندگی را بدرود گفته است.^{۸۳} پیشتر آورده ایم که از جمله مباحث دلکش و ذوق انگیز و آموزنده قرآنی، تناسب آیات در سوره‌ها و پیوند محتوای آیه‌ها در سوره‌هاست. به این موضوع گو اینکه بسیار اندک اندیشیده شده است و آثار کمی درباره آن رقم خورده است، اما موضوعی است سودمند و در فهم قرآن کارآمد، در این قرن، محمدبن ابی بکر، ساجقلی زاده مرعشی (م ۱۱۵۴) از مؤلفان و عالمان عثمانی، کتابی پرداخته است با عنوان «نهر النجاة فی بیان مناسبات آیات الکتساب»^{۸۴} وی افزون بر این کتابی نگاهشته است در تجوید با عنوان: «جهد المقل فی فنّ التجوید».^{۸۵}

ساجقلی زاده، از عالمان و مؤلفان قرن دوازدهم هجری است، از چگونگی زندگانی وی آگاهی‌های شایسته‌ای در اختیار نیست. در منابع شرح حال نگاری او را به گستردگی در دانش و دست داشتن در علوم مختلف ستوده‌اند. و برخی از آثار وی را گزارش کرده‌اند.^{۸۶}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. الامام علی القاری و اثره فی علم الحدیث/ ۱۴۲، در این کتاب آثار یاد شده نسخه شناسی نیز شده است.
۲. خلاصة الأثر، ۱۸۵/۳؛ البدر الطالع، ۴۴۵/۱؛ معجم المؤلفین، ۴۴۸/۲؛ الأعلام، ۱۲/۵، الامام علی القاری و اثره فی علم الحدیث، خلیل ابراهیم قوتلای.
۳. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۲۲/۴.
۴. خلاصة الأثر، ۲۲۰/۲.
۵. همان، ۲۴۰/۲؛ معجم المؤلفین، ۸۰۵/۱؛ الأعلام، ۱۴۹/۳.
۶. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۵۸۱/۴.
۷. محققانه ترین و گسترده ترین اثری که تمام زوایای این بحث را بر اساس منابع کهن و با توجه به منابع و

پژوهشهای نوکاویده و با حوصله ای شگرف به این بحث رسیدگی کرده است، پژوهش ارجمند دکتر غانم قدوری قمه است با عنوان «رسم المصحف»، این اثر خوشبختانه ترجمه شده و اخیراً نشر یافته است.

۸. هدیه العارفين، ۲، ۲۶۳؛ ایضاح المکنون، ۱/۳۸۱؛ معجم المؤلفين، ۳/۹۰.
۹. البرهان فی علوم القرآن، ۲/۱۵۷ (پانویشت).
۱۰. ایضاح المکنون، ۱/۷.
۱۱. بنگرید به: خلاصه الأثر، ۴/۳۵۸، فهرس مخطوطات دائر الکتب الظاهرية (علوم القرآن الکریم) ۲/۲۴۱، معجم المؤلفين، ۳/۷۴۲، الأعلام، ۷/۲۰۳.
۱۲. معجم المؤلفين، ۳/۶۱۷.
۱۳. الأعلام، ۴/۱۷۵ این کتاب در معجم المؤلفين، ۳/۶۱۷ به محمدبن محمد حرآز نسبت داده شده است که اشتباه است.
۱۴. خلاصه الأثر، ۳/۹۸.
۱۵. البرهان فی علوم القرآن ۲/۹ (پانویشت).
۱۶. «فاس» شهری است مشهور و بزرگ بر کرانه دریای مغرب، و بزرگترین شهر مراکش، فاس همواره مهد دانش بوده است و از آن عالمان بسیاری برآمده اند (معجم البلدان، ۴/۲۶۱؛ لغتنامه دهخدا، ۱/۱۴۹۳۶).
۱۷. درباره او بنگرید به: خلاصه الأثر، ۳/۹۶؛ معجم المؤلفين، ۲/۳۳۱؛ الأعلام، ۴/۱۷۵.
۱۸. رسائل فلسفی/۶۸ (مقدمه).
۱۹. همان/۲۲۷-۷۳.
۲۰. بنگرید به: همان /۷۲-۴۵؛ فلاسفة شیعه/۴۷۷، تفسیر القرآن الکریم، ۱/۱۳۰-۱۱ (مقدمه).
۲۱. بیانات، ش/۹۹/۴.
۲۲. تفسیر غریب القرآن/۴.
۲۳. ریاض العلماء، ۴/۳۳۳.
۲۴. مجمع البحرين / ۴۰.
۲۵. مجمع البحرين، تألیف الشیخ فخرالدين الطریحی، نسق و تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسه البعثه ۱۴۱۴.
۲۶. ریاض العلماء، ۴/۳۳۲؛ اعیان الشیعه، ۸/۳۹۵؛ لؤلؤة البحرين/۶۶؛ شعراء الغری، ۱۱/۱۷۹، مقدمه مجمع البحرين، چاپ مؤسسه بعثت.
۲۷. شرح حال فیض در منابع بسیاری آمده است، منابع کوتاه و بلند وی را آقای رسول جعفریان در مقدمه «ده رساله» به تفصیل گزارش و ارزیابی کرده است و نیز بنگرید به مقدمات کتابهای: المحجة البيضاء، الوافی و نیز مقدمه بسیار سودمند و ارجمند «علم القین» چاپ ۱۳۷۶.
۲۸. الفهرست/۳۴؛ التمهید، ۲/۲۲۰.

۲۹. ر، ک: النشر فی القراءات العشر، شمس الدین أبو الخیر ابن الجزری.
۳۰. ر. ک: اتحاف فضلاء البشر فی قراءات الأربعة عشر، احمد بن محمد دمیاطی.
۳۱. دربارہ او بنگرید به: الأناجیل / ۵۱۹؛ نظم العیان / ۱۴۸؛ معجم المؤلفین، ۲۷۹/۳.
۳۲. البرهان فی علوم القرآن، ۱/۴۴۵ (پانوشت).
۳۳. بنگرید به: خلاصة الأثر، ۲/۲۱۰؛ معجم المؤلفین، ۱/۷۷۴؛ الأعلام، ۳/۱۰۸.
۳۴. طبقات المفسرین، تألیف احمد بن محمد الأدنه وی، تحقیق سلیمان بن صالح الخزی، مکتبه العلوم والحکم، المدینة المنورة، ۱۴۱۷.
۳۵. بنگرید به نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ش ۱/۲۲۷، مقاله آیه آیات فرقانی، اوکین کشف آیات. از این اثر باید در قرن نهم یاد می کردیم که متأسفانه فراموش شده است.
۳۶. الذریعه، ۴/۱۷.
۳۷. طبقات اعلام الشیعه، قرن یازدهم/۲۲۲.
۳۸. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۴/۱۷.
۳۹. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۴/۱۷؛ ۱۷۸/۱۷؛ الذریعه، ۴/۴۸.
۴۰. «رکوع» علامتهایی بوده است که بر اساس آن قرآن را برای خواندن در رکعتهای نماز تراویح تقسیم بندی می کرده اند، ر، ک: حق التلاوه، حسنی شیخ عثمان/۱۱۳، دار المناره للنشر والتوزیع، جدة/۱۴۱۸.
۴۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۵/۸۹.
۴۲. همان، ۱۱/۲۲۹.
۴۳. همان ۲۴/۸۲.
۴۴. ریحانة الادب، ۴/۴۱۲.
۴۵. فهرست موضوعی نسخه های خطی ...، ۱/۳۹۳.
۴۶. بنگرید: به کتاب یاد شده، فهرست مجلس شورای اسلامی، ۱۲/۵۴.
۴۷. روضات الجنات، ۴/۹؛ تذکره نصر آبادی/۱۶۷؛ ریحانة الادب، ۴/۴۱۲؛ اعیان الشیعه/۳۴۴، مقدمه شرح توحید الصدوق.
۴۸. چگونگی این دو کتاب و پیوند آن دو با هم را بنگرید در: فهرست موضوعی نسخه های عربی ...، ۱/۲۱۶.
۴۹. فهرست موضوعی نسخه های عربی ...، ۱/۲۲۴؛ الذریعه، ۱۷/۵۴.
۵۰. فهرست موضوعی نسخه های عربی ...، ۱/۲۲۵؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۷/۲۵۴.
۵۱. فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی ...، ۱/۲۳۶.
۵۲. بنگرید به: ریاض العلماء، ۴/۲۹۷؛ الذریعه، ۳، صص ۳۷۱-۳۷۳ و ۴۴۴ و ۱۷/۵۵؛ معجم المؤلفین، ۴/۴۷۸؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن دهم)/۳۷۲.
۵۳. در مقامی دیگر از چگونگی آن به اجمال سخن گفته ایم، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ج ۱ و اکنون در وقف

- میراث جاویدان، ش ۱۸/۱۴ .
۵۴. کیهان اندیشه، ش ۱۱۴/۲۸ به بعد مقاله «رسائل منسوب به اهل بیت(ع)» در این مقاله احتمالات مختلف درباره این رساله به تفصیل و دقت بحث شده است .
۵۵. افزون بر شرح حالهای کوتاه و بلندی که درباره آن بزرگوار در ضمن منابع شرح حال نگاری آمده است، کتابهایی مستقل نیز درباره وی و گزارش آثار و مآثرش نگاشته شده است از جمله :
- الف : تذکرة الأنساب، حیدر علی بن عزیز الله بن محمد تقی ... مجلسی (چاپ شده در کتابشناسی علامه مجلسی).
- ب : الفیض القدس فی ترجمة العلامة المجلسی، میرزا حسین نوری (چاپ شده در جلد ۱۰۵ بحار الانوار).
- ج : زندگینامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی ۲ جلد، اصفهان، انتشارات حسینیه عمادزاده، بی تا.
- د : علامه مجلسی، بزرگمرد علم و دین، علی دوانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۰ .
- هـ : فیض قدس (ترجمه الفیض القدس)، تحقیق و تعلیق، سید جعفر نبوی، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ .
- و : علامه مجلسی، حسن طارمی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵ .
- ز : کتابشناسی علامه مجلسی، حسین درگاهی و علی اکبر تلاقی دادیانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / ۱۳۷۰ .
۵۶. در شرح حال آثار و مآثر سید بحرانی در منابع شرح حال نگاری سخن رفته است از جمله در : امل الأمل ۳۴۱/۲؛ اعیان الشیعه، ۲۴۹/۱۰؛ ریحانة الأدب، ۲۳۳/۱، مقدمه حلیة الأبرار، مقدمه تفسیر برهان، چاپ بنیاد بعثت، مجله حوزه، ش ۷۴/۲۰ به قلم نگارنده، و نیز بنگرید به : زندگینامه علامه بحرینی، محمد برهانی، و «العلامة السیدهاشم البحرانی»، فارس تبریزیان .
۵۷. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۳۱/۴ .
۵۸. معجم الدراسات القرآنیة/ ۴۹۷، ۴۹۹ .
۵۹. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۱۳۸/۴؛ فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران، ۳۷۸/۱ .
۶۰. الأعلام، ۳۱۷/۶، در این منبع نیز تنها یادی است از آثار او بر مبنای فهرست کتابخانه الأزهـر .
۶۱. اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربع عشر، المسمی «بمتهی الأمانی والحشرات فی علوم القراءات» احمد بن حمد النبء، بیروت، عالم الکتب/ ۱۴۰۷ .
۶۲. الأعلام، ۲۴۰/۱؛ معجم المطبوعات، ۸۸۵/۱؛ معجم المؤلفین، اصول الفقه تاریخه و رجاله، شعبان محمد اسماعیل/ ۵۰۶، و مقدمه اتحاف فضلاء البشر .
۶۳. بینات، ش ۷۷/۶ .
۶۴. همان، ش ۵۱/۱۰ .

۶۵. البرهان فی علوم القرآن، ۴۴۷/۱؛ معجم المؤلفین، ۴۹۰/۲.
۶۶. شاذلیه از فرق صوفیه و پیروان علی بن عبدالله بن عبد الجبار بن تمیم بن هرمز شاذلی مغربی (م ۶۵۶)، او از صوفیان معروف شمال افریقا به شمار است؛ که از فرقه وی پانزده طریقه دیگر سر بر آورده اند. دایرة المعارف الإسلامیة / ۱۳، فرهنگ فرق اسلامی / ۲۴۷.
۶۷. الأعلام، ۳۲۳/۴؛ معجم المؤلفین، ۴۹۱/۲.
۶۸. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۱۴۰/۴؛ البرهان فی علوم القرآن، ۴۷/۱.
۶۹. خابور، نهري است بزرگ بین رأس عین و فرات (معجم البلدان ۳۸۲/۲) واقع در غرب عانه که دیهی است بزرگ بر فرات و عالمانی به آن منسوبند، معجم البلدان، ۸۱/۴؛ لغت نامه دهخدا، ۱۳۸۲۸/۹.
۷۰. الأعلام، ۱۱۰/۳؛ معجم المؤلفین، ۷۷۴/۱.
۷۱. الذریعه، ۲۹۴/۲۰.
۷۲. تفسیر مأثور، کفایتها، کمبودها، (نزدیک به نشر).
۷۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ۲۳/۱.
۷۴. همان و نیز بنگرید به وسایل الشیعه، ۱۲۱/۱۲.
۷۵. طبقات اعلام الشیعه (قرن دوازدهم) / ۱۷۴؛ فیض قدسی / ۱۵۱؛ فیض القدسی / ۷۶، مقدمه مرآت الانوار؛ الأجازة الکبیره / ۴۵؛ لؤلؤ البحرین / ۱۰۷؛ روضات الجنات / ۱۴۲/۷؛ ماضی النجو و حاضرها، ۴۳/۳.
۷۶. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۱۳۹/۴.
۷۷. بنگرید به: الحقیقه والمجاز (مقدمه و نیز متن آص ۲۶۶ به بعد) الأعلام، ۳۲/۴؛ معجم المؤلفین، ۱۷۶/۲؛ تاریخ آداب اللغة العربیة، ۳۴۸/۳، مملک الدرر، ۳۰/۳؛ معجم المطبوعات / ۱۸۳۲.
۷۸. ایضاح المکنون، ۱۷۰/۱.
۷۹. معجم الدراسات القرآنیة / ۴۶۷؛ فهرس مخطوطات دائر الکتب الظاهریة، ۳۱۳/۱.
۸۰. فهرس مخطوطات دائر الکتب الأزهریة، ۳۲۴/۱، این کتاب با عنوان «ملخص بدایع البرهان» گزین شده است، همان / ۴۸۱.
۸۱. همان / ۳۷۴.
۸۲. معجم المؤلفین، ۸۶۹/۳؛ فهرس مخطوطات دائر الکتب الأزهریة.
۸۳. همان، ۸۶۹/۳؛ الأعلام، ۲۳۶/۷.
۸۴. ایضاح المکنون، ۶۹۶/۲.
۸۵. فهرس مخطوطات دائر الکتب الظاهریة (علوم القرآن)، ۱۴۷/۱.
۸۶. عثمانل مؤلفری، ۳۲۵/۱؛ معجم المؤلفین، ۷۱۱/۳؛ الأعلام، ۶۰/۶؛ معجم المطبوعات، ۹۹۵/۱؛ تاریخ آداب اللغة العربیة، ۳۵۱/۳.